**مقدمه**

کارگاه «معلم: نقش‌های پیدا و پنهان روان‌شناختی» به بررسی ابعاد آشکار و ناآشکار رابطه استاد و دانش‌آموز و تأثیر فرایندهای روانی بر کیفیت ارتباط آموزشی می‌پردازد. در این نگاه، استاد تنها انتقال‌دهنده دانش و مجری برنامه درسی نیست؛ بلکه در رابطه با دانشجویان، انتظارات، احساسات، تجربه‌های شخصی و الگوهای ناهشیار خود را نیز وارد تعامل می‌کند. شناخت این لایه‌ها می‌تواند به درک بهتر رفتارهای کلاسی، ایجاد رابطه‌ای سالم‌تر و افزایش اثربخشی آموزش کمک کند.

**- subject و object در رابطه آموزشی**

در ادبیات روان‌شناختی، «subject» به فردی اشاره دارد که تجربه می‌کند، احساس دارد و معنا می‌سازد؛ در حالی که «object» موضوعی است که احساسات، خواسته‌ها یا تصورات فرد متوجه آن می‌شود. در رابطه استاد و دانشجو، هر دو طرف انسان‌هایی مستقل با نیازها و تجربه‌های خاص خود هستند. رابطه حرفه‌ای و سالم مستلزم دیدن دانشجو به‌عنوان فردی مستقل و به‌رسمیت‌شناختن تفاوت‌های اوست.

**-دلبستگی و شکل‌گیری بازنمایی‌ها**

در روابط انسانی، عاطفه میان خود و دیگری جریان دارد و به‌تدریج تصویرها و بازنمایی‌های ذهنی از خود و دیگران شکل می‌گیرند. تجربه‌های پیشین هر فرد بر برداشت او از رابطه‌های تازه اثر می‌گذارند. ازاین‌رو، استاد ممکن است بدون آگاهی کامل، دانشجویی را با فردی از گذشته خود همانند بداند یا رفتار او را بر اساس تجربه‌های قبلی تفسیر کند. آگاهی از این فرایندها کمک می‌کند تا برداشت‌های اولیه با واقعیت رفتار دانشجو اشتباه گرفته نشوند و قضاوت‌ها با تأمل و شواهد کافی شکل بگیرند.

**-دیگریِ مهم و نقش‌های روان‌شناختی استاد**

«دیگریِ مهم» به افرادی گفته می‌شود که در شکل‌گیری احساس ارزشمندی، هویت و انتظارات فرد نقش برجسته‌ای دارند. استاد نیز می‌تواند برای دانشجو به یکی از این چهره‌ها تبدیل شود؛ فردی که نظر، توجه، تشویق یا انتقادش تأثیری فراتر از محتوای درسی دارد. در عین حال، دانشجو نیز ممکن است استاد را نه فقط در جایگاه آموزشی، بلکه در قالب چهره‌ای حمایتگر، مقتدر یا تأییدکننده تجربه کنند. این معانی همیشه آگاهانه نیستند و ممکن است بر رفتار و احساسات دو طرف اثر بگذارند.

**- نقش‌های پنهان: استاد به‌مثابه والد، نگه‌دارنده و object**

در اینجا، سه مفهوم برای فهم نقش‌های روان‌شناختی استاد برجسته شده است: «استاد به‌مثابه والد»، «نگه‌داری» و «مهار یا دربرگیری». نقش والدگونه می‌تواند در حمایت، مراقبت، هدایت و ایجاد احساس امنیت نمایان شود؛ اما اگر از مرزهای حرفه‌ای فراتر

رود، ممکن است به کنترل‌گری، وابستگی یا انتظار اطاعت مطلق بینجامد. مفهوم نگه‌داری به کیفیت تعامل بیرونی و فراهم‌کردن محیطی قابل اتکا اشاره دارد؛ یعنی فضایی که دانش‌آموز بتواند در آن پرسش کند، اشتباه کند و یاد بگیرد. دربرگیری نیز ناظر به توانایی فهم و تحمل حالت‌های هیجانی دانش‌آموز و کمک به او برای سامان‌دادن به احساسات دشوار است، نه انکار احساسات یا واکنش شتاب‌زده به آن‌ها. همچنین، هنگامی که استاد به «object» تبدیل می‌شود، ممکن است دانشجو او را از دریچه نیازها و تصورات شخصی خود ببیند، نه به‌عنوان فردی مستقل.

**-آینه‌سازی و آرمانی‌سازی**

«آینه‌سازی» به نیاز فرد برای دیده‌شدن، درک‌شدن و مورد تأیید قرارگرفتن ویژگی‌ها و دستاوردهایش اشاره دارد. در محیط آموزشی، توجه استاد به تلاش و پیشرفت واقعی دانشجو می‌تواند احساس ارزشمندی و انگیزه او را تقویت کند. در مقابل، بی‌توجهی یا تحقیر ممکن است تجربه‌ای منفی ایجاد کند. «آرمانی‌سازی» نیز به نیاز برای شکل‌دادن تصویری آرمانی از افراد مهم مربوط است. دانشجو ممکن است استاد را دانا، قدرتمند یا بی‌نقص تصور کند؛ یا خود استاد از دانشجو انتظار عملکردی کامل و مطابق با تصویر ذهنی‌اش داشته باشد. واقع‌بینی، پذیرش خطا و حفظ مرزهای حرفه‌ای به تعدیل این انتظارات کمک می‌کند.

**-هم‌ذات‌پنداری و پیامدهای آموزشی**

«هم‌ذات‌پنداری» یا نیاز به احساس شباهت و تعلق به دیگران، از دیگر مفاهیم مطرح‌شده در این کارگاه می باشد. احساس تعلق به کلاس و تجربه شباهت با استاد یا همکلاسی‌ها می‌تواند مشارکت را افزایش دهد؛ اما اگر استاد ناخودآگاه به دانشجویان شبیه به خود توجه بیشتری نشان دهد، خطر جانبداری و نادیده‌گرفتن تفاوت‌ها به وجود می‌آید. بنابراین، توجه منصفانه به همه دانشجویان و شناخت سوگیری‌های شخصی اهمیت دارد.

**نکته آخر:**

میتوان اظهار داشت که رابطه آموزشی علاوه بر محتوای علمی و رفتارهای آشکار، از نیازهای عاطفی، بازنمایی‌های ذهنی و نقش‌های روان‌شناختی پنهان نیز تأثیر می‌پذیرد. استاد با خودآگاهی، تأمل در واکنش‌های شخصی، پرهیز از قضاوت عجولانه، رعایت مرزهای حرفه‌ای و فراهم‌کردن فضایی امن و حمایتگر می‌تواند رابطه‌ای متعادل‌تر با دانشجویان بسازد.